

مقاله پژوهشی: رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس؛

با تاکید بر الگوی امنیت درونزا

علی جعفری^۱، دکتر محمد سهرابی^۲، دکتر محمد شاه محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

چکیده

تأمین امنیت پایدار در خلیج فارس که تضمین کننده منافع کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی باشد، تنها از طریق ایجاد الگوی بومی امنیت منطقه‌ای و فراتر از الگوهای نظامی و سخت قابل انجام خواهد بود. هدف این پژوهش، به دنبال پیشنهاد الگوی امنیتی درونزا در خلیج فارس است. پژوهش بر مبنای روش تحقیق کمی و کیفی و تحلیل توصیفی از روش همستگی انجام خواهد شد؛ به این صورت که با پرسشنامه و مصاحبه در کنار بررسی اسناد، مدارک، رویدادها و ملاحظات مطروحه و با نظرداشت شرایط و روابط موجود میان کشورهای حوزه خلیج فارس، پیرامون نظام امنیت منطقه‌ای پژوهش صورت خواهد گرفت. در این پژوهش از مدل معادلات ساختاری (SEM) جهت تدوین مدل استفاده شده است. یافته‌های مطالعه نشان داد که امنیت درونزا بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تاثیر دارد. ضریب مسیر بین دو متغیر ۰.۲۶ که از سطح معناداری ۰.۱۶. ۸۵۲ برخوردار است که مطلوب می‌باشد زیرا از ۰.۹۶ بیشتر است لذا وجود تاثیر معنادار تایید می‌گردد. همچنین، مطالعه نشان داد که نظریه منطقه‌ای امنیت بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تاثیر دارد. ضریب مسیر بین دو متغیر ۰.۱۱ که از سطح معناداری ۰.۱۴. ۲۱۴ برخوردار است که مطلوب می‌باشد زیرا از ۰.۹۶ بیشتر است لذا وجود تاثیر معنادار تایید می‌گردد. در مطالعه حاضر، مولفه‌های امنیت درونزا و نظریه منطقه‌ای امنیت، به عنوان مولفه‌های موثر بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تایید شد.

کلید واژه‌ها: امنیت خلیج فارس، امنیت مشترک، امنیت منطقه، امنیت درونزا.

۱

^۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی/سیاستگذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲. استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

agha_yosef@yahoo.com

^۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

از آنجا که تاکنون تلاش‌های انجام شده برای دستیابی به یک الگوی امنیت پایدار و چگونگی ایجاد دستور کار مشترک در خلیج فارس برای تامین امنیت درونزا با ناکامی مواجه شده است و این مقوله مهم بیشتر بر محور امنیت سنتی یا نظامی مبتنی است و در حوزه امنیت انسانی کمتر شاهد اقدامات و همکاری‌های چند جانبه بین کشورهای منطقه بودیم، به نظر می‌رسد ایجاد سازو کار جدیدی که فراتر از امنیت نظامی باشد، ضروری است (حیات مقدم و همکاران، ۱۳۹۶).

به عبارت دیگر، امروزه به واسطه وابستگی متقابل کشورها، امکان یک جانبه گرایی در حوزه امنیت به شدت کاهش یافته و دستیابی به علائق امنیتی تنها در پرتو همکاری با دیگر دولت‌ها امکان‌پذیر است. فرایند تحول در ایده تامین امنیت به صورت منفرد و ترغیب در راستای پروژه امنیت درونزا به طور جدی مورد تاکید قرار گرفته و همچنین محدودیت‌های گسترده و شکست‌های پی در پی الگوهای پیشین و فعلی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس که عمدتاً متأثر از رویکردهای سخت و نظامی به مسئله امنیت و نقش بازیگران خارجی و فرامنطقه‌ای است، ضرورت ارائه مدلی جهت سیاست‌گذاری دقیق و دستیابی به مدلی جهت دستیابی به امنیت پایدار در این منطقه را دوجندان ساخته است (نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۰).

در این میان، به نظر می‌رسد امنیت انسانی بیش از هر حوزه دیگری واجد ظرفیت‌های بالقوه برای همکاری و همگرایی امنیتی است. ظرفیتی که مبتنی بر شاخص‌های امنیت انسانی نظیر «امنیت اقتصادی»، «امنیت غذایی»، «امنیت بهداشتی»، «امنیت محیطی»، «امنیت شخصی» و «امنیت اجتماعی» باشد (قربانی، ۱۳۹۱).

این مهم بیش از هر چیز دیگر، به پیوند میان مفهوم امنیت ملی با مفهوم امنیت انسانی در ابعاد مختلف باز می‌گردد. یکی از این پیوندهای قابل ذکر، در رابطه با جلوگیری از وقوع منازعات می‌باشد. اگرچه امنیت سنتی به همان اندازه که منازعه ستیز است تنش‌زا نیز هست، اما عوامل متعددی در نظام بین‌المللی معاصر، حساسیت دولت‌ها نسبت به منافع بازیگران دیگر را بیشتر نموده و دولت‌ها را تشویق می‌کند تا بر زمینه‌هایی نظیر کنترل تسلیحات و همکاری‌های منطقه‌ای به امنیت مشترک با سایر دولت‌ها دست یابند. از طرف دیگر، هم امنیت سنتی و هم امنیت انسانی در جستجوی تضمین امنیت و رفاه برای افراد یا جوامع مورد نظر خویش می‌باشند (مرادی، ۱۳۹۴).

همچنین از آنجا که بسیاری از منازعات بین‌المللی که مورد نظر رویکردهای امنیت ملی و امنیت انسانی می‌باشند، منازعات هویتی هستند؛ می‌توان با بهره‌گیری از امکانات موجود نظیر گفتگوهای میان فرهنگی، به باز تعریف هویت‌ها پرداخت و ریشه‌های چنین منازعاتی را از بین برد. پیوند دیگر در رابطه با امنیت انسانی و امنیت ملی، به بحران امنیت جمعی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط می‌شود. نهادهای

منطقه‌ای به تنهایی از پتانسیل لازم جهت حل و فصل مشکلات ملی یکدیگر برخوردار نیستند. از این رو، شکل‌گیری مفهوم امنیت بین‌المللی می‌تواند بین امنیت ملی و امنیت انسانی پل زند. از آنجا که تهدیدات معاصر هم‌خصلت ملی دارند، و هم‌خصلت انسانی، امنیت بین‌المللی نیازمند مطالعه این تهدیدات به صورت منسجم و سیستماتیک می‌باشد (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۱).

با این اوصاف، توسل به ساز و کاری که امنیت انسانی را مورد تأکید قرار دهد، می‌تواند امنیت ملی کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز تأمین نماید. به نحوی که بر اساس رویکرد جمهوری اسلامی ایران، اولاً بدون حضور و نقش نیروهای خارجی و کشورهای بیگانه اجرایی شود و ثانیاً با مشارکت تمام کشورهای حوزه خلیج فارس عملیاتی گردد. به عبارت دیگر، تأمین امنیت پایدار در خلیج فارس که تضمین‌کننده منافع کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی باشد، تنها از طریق ایجاد الگوی بومی امنیت منطقه‌ای و فراتر از الگوهای نظامی و سخت‌قابل انجام خواهد بود (افتخاری، ۱۳۹۳).

در باب اهمیت تحقیق می‌توان گفت تلاش برای دستیابی به مدل مشخص و واقع‌گرایانه برای رفع چالش‌های امنیتی در خلیج فارس امری ضروری است. با توجه به موضوع تحقیق حاضر که در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی تعریف شده است، چگونگی ایجاد الگوی امنیت درونزا از طریق ایجاد یک رویکرد نوین به نظام امنیت منطقه‌ای، که سال‌هاست هم‌جمهوری اسلامی ایران و هم کشورهای منطقه در نبود آن دچار چالش‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی شده‌اند، اهمیت بالایی دارد. در غیر این صورت، با توجه به تحولاتی نظیر عادی‌سازی روابط برخی کشورهای خلیج فارس با رژیم صهیونیستی و تأسیس سفارت این رژیم در پایتخت کشورهای هم‌چون امارات و بحرین، چالش‌های جدید امنیتی رخ خواهد داد که به نفع کشورهای منطقه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. لذا این سوال مطرح است که بین نظریه منطقه‌ای امنیت از یک سو و امنیت درونزا از سوی دیگر با امنیت خلیج فارس چه ارتباطی وجود دارد؟

لذا این تحقیق در پی حصول یک هدف عملی از طریق مطالعه نظریه‌های مختلف امنیت و الگوهای امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس است. از آنجایی که کار سیاست‌گذاری بسامان کردن امور است و سیاست‌گذاری امنیتی نیز از ملزومات حیاتی و زیربنایی برای دولت‌ها محسوب می‌شود، این پژوهش پس از بررسی رهیافت‌ها، مراجع و پیشران‌های سیاست‌گذاری امنیتی در منطقه خلیج فارس، در صدد ارائه الگوی امنیتی درونزا به منظور گذار از امنیت ملی به امنیت انسانی در این منطقه است که به صورت کمی بر روی خبرگان، مدیران، کارشناسان، فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ انجام می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه مطالعاتی در زمینه امنیت خلیج فارس و رویکرد امنیت درونزا، مطالعات مختلفی استخراج شده است که به ترتیب مطالعات داخلی و مطالعات خارجی در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

لطفی در سال ۱۴۰۰ در پژوهش خود نشان می‌دهد که ابعاد ژئوپلیتیکی منطقه مکران در تعیین کردن نقش امنیتی آن در ارتباط با امنیت منطقه خلیج فارس عبارت‌اند از: جغرافیای انسانی و نحوه توزیع جمعیتی در این منطقه، جغرافیای اقتصادی منطقه، جغرافیای طبیعی منطقه و همچنین ویژگی‌های جغرافیایی منطقه که امکان اجرای اصل پراکنده سازی به عنوان یکی از اصول تاثیر گذار بر معادله دفاع-تهاجم وجود دارد. پاکدل و همکاران در سال ۱۴۰۰ در مطالعه ای نشان داد، دیدگاه‌های ایران در مورد امنیت در خلیج فارس و سیاست‌های برخاسته از آنها تحت تأثیر عوامل داخلی نظیر مخالفت با حضور قدرتهای بیگانه در منطقه خلیج فارس شکل گرفته‌اند. نتیجه کلی این عوامل آن بوده که ایران را به این سمت سوق داده است که با هر نقشی برای قدرت‌های خارجی؛ به خصوص ایالات متحده، در ترتیبات امنیتی خلیج فارس مخالفت نماید. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک و نظریه رئالیسم تدافعی سعی در بررسی راهبرد ایران در تأمین امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس شده است. عالیشاهی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در مطالعه ای نشان داد که: ۱. گسترش مرجعیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌ویژه در پساداعش ۲. نبود وابستگی صرف به امریکا به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و امنیتی ۳. رقابت‌های شدید امیر دویی و ابوظبی بر سر سیاستگذاری آینده امارات ۴. مزایای اقتصادی صهیونیست‌ها از حضور در امارات (نفت، استفاده از پایگاه‌های نظامی امارات و فروش تسلیحات نظامی) ۵. موفقیت ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا از دلایل شکل‌گیری ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی است.

بریت ایلس در سال ۲۰۲۰ مطالعه ای نشان داد: اولاً، تعهد سریع به عنوان یک اقدام ضروری امنیت جمعی مرتبط با احیای سازمان ملل متحد نشان داده شد. ثانیاً، به عنوان کمک به توسعه نظم جدید جهانی پس از جنگ سرد که در چارچوب منافع امنیتی منطقه ای استرالیا و توسط اتحاد ایالات متحده شکل گرفته بود، توجیه شد. این مقاله استدلال می‌کند که گفتمان استرالیا، علی‌رغم امنیت جمعی، بر اساس رهبری سازمان ملل متحد، بدون توجه به تنش‌های بین این دو توجیه، با ناراحتی

با یک جنگ سرد که بر اساس رهبری ایالات متحده است، می‌نشیند. هان و همکاران در سال ۲۰۱۹ در مطالعه‌ای استدلال کردند که از منظر مجموعه امنیت منطقه‌ای، منطقه خلیج فارس از دهه ۱۹۷۰ یک زیرمجموعه امنیتی معمولی بوده است. پس از جنگ ایران و عراق، ایران با استفاده از اجماع داخلی برای بهبود روابط با کشورهای همسایه خود، سیاست تنش زدایی را در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اتخاذ کرد. در سطح بین‌المللی نیز، موضع سخت ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری ترامپ و بازگشت رژیم تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، دمای منطقه را افزایش داده و بهبود روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس را سخت‌تر کرده است. ما استدلال می‌کنیم که برای درک جنگ‌های نیابتی بین ایران و عربستان سعودی به طور خاص، رویکرد ظریف تری لازم است که فراتر از نزاع و رقابت مذهبی باشد.

انواع امنیت

در یک تقسیم‌بندی کلان‌الگوهای امنیتی را می‌توان به دو دسته برون‌سیستمی و درون‌سیستمی تقسیم کرد. الگوهای برون‌سیستمی که تجلی دخالت و مشارکت بازیگران بین‌المللی خارج منطقه‌ای در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی سیستم منطقه‌ای رخنه یافته به گونه‌ای اقتدارآمیز می‌باشند، انواع مختلفی دارند که اولین آنها مدل "هژمونی یک قدرت خارجی" است. این الگو که بر ایجاد نظام سلسله‌مراتبی همراه با سلطه و سیطره یک قدرت مداخله‌گر غیر منطقه‌ای استوار است، تنها راه ثابت را الگوی امنیتی یک قطبی بر اساس رفتار تفوق‌آمیز یک قدرت خارجی می‌داند که در این باب دو نوع هژمونی مستقیم و غیرمستقیم قابل تشخیص است. هژمونی مستقیم یک نوع نظام سلسله‌مراتبی مبتنی بر برتری یک قدرت خارج منطقه‌ای بر زیرنظام منطقه‌ای و تعیین امور امنیتی آن به وسیله نظام مداخله‌گر است. مدل هژمونی مستقیم بر مبنای حضور مستقیم و دخالت یکجانبه یک قدرت خارجی در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای خاص است که موجبات برقراری نظام امنیت تک‌قطبی در آن ناحیه را فراهم می‌سازد (نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۰).

هژمونی مستقیم غیر قانونی

این نوع هژمونی بر مبنای حضور استعماری یک قدرت خارجی در منطقه‌ای خاص استوار است که از دیرباز در خلیج فارس مورد استفاده بوده است. تسلط پرتغالیان بر این منطقه از ۱۵۰۷م تا ۱۶۲۲م و حاکمیت بریتانیا به مثابه قدرت بحری بلامنازع از ۱۶۲۲ تا ۱۹۷۱ و حتی تفوق آمریکا بر خلیج فارس پس از تشکیل نیروهای واکنش سریع (RDF) به دنبال اعلام دکترین کارتر در ابتدای دهه ۱۹۸۰ از نمونه‌های بارز این نوع هژمونی است. به زعم اعمال‌کنندگان این الگوی امنیتی، نظام امنیتی تک‌قطبی مزبور مانع دخالت قدرتهای

خارجی در منطقه، یا بروز جنگ وسیع منطقه‌ای و یا وقوع کودتا و بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای منطقه می‌شود که این گمان بیشتر ناشی از انگیزه قدرت طلبی، انحصارطلبی و استیلاجویی قدرت‌های مداخله‌گر مزبور بوده است و گرنه تجربه نشان داده که حضور نیروهای خارجی در منطقه‌ای خاص به ویژه در خلیج فارس توازن تاریخی و سستی منطقه را برهم زده و خواهد زد؛ چرا که برتری جویی یک قدرت بیرونی از طریق ابزارهای نظامی مستقیم در نهایت موجبات تشنج و نزاع منطقه‌ای را فراهم خواهد ساخت (نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۰).

هژمونی مستقیم قانونی

این مدل بیشتر هنگام بستن پیمان دفاعی - امنیتی میان یک قدرت مسلط خارجی و یک کشور منطقه‌ای تحقق می‌یابد. همان‌گونه که در قرارداد دوجانبه آمریکا - کویت منعقد به تاریخ ۱۹۹۰، دو کشور پیمان امنیتی - دفاعی ده ساله‌ای با یکدیگر منعقد کردند که پس از جنگ دوم خلیج فارس این نوع ترتیب امنیتی دوجانبه بین ایالات متحده و اکثر شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس تحقق یافت. امریکا از طریق انعقاد قراردادهای دفاعی با کشورهای نظیر امارات متحده عربی، بحرین و قطر سلطه و سیطره خود را استوار ساخت و بدین ترتیب الگوی امنیتی خلیج فارس مبتنی بر اتکا به نیروهای بیگانه شد که این امر خود، بر تشنج و درگیری منطقه‌ای افزود و نه تنها امنیتی پایدار را در منطقه ایجاد نکرد، بلکه موجبات بی‌ثباتی خلیج فارس را فراهم آورد و بدین گونه طرحهای صرفاً منطقه‌ای رو به افول نهاد. آری، ضعف نظامی دولت‌های منطقه از یک سو و نیاز کاذب آنها به تضمین امنیتی قدرت‌های بزرگ مداخله‌گر، سلطه سیاسی مستقیم یک قدرت برتر خارجی را پایدار و استقلال جمعی کشورهای منطقه‌ای را دچار مخاطره می‌سازد. اما هژمونی غیر مستقیم بیشتر زمانی تحقق می‌یابد که قدرتی خارجی، منطقه‌ای خاص را عملاً تحت حمایت خود قرار دهد، گرچه قانوناً آن را تحت قیمومت خود ندارد. در این الگو عملاً شرط دولت کامله الوداد در قبال قدرت مداخله‌گر اجرا می‌شود که موجبات تحکیم سلطه آن قدرت و تحمیل غیرمستقیم الگوهای تفوق‌آمیز را فراهم می‌آورد. در این باره نیز دو مدل نهادینه و غیر نهادینه قابل تشخیص است (همان، ۹۵).

دسته دوم از الگوهای امنیتی درون سیستمی هستند، منظور از الگوهای درون سیستمی مدل‌های امنیتی مبتنی بر تعامل میان بازیگران منطقه‌ای و متکی بر نقش عمده مناطق در معادلات امنیتی است. این الگوها از آن جهت حایز اهمیتند که خلیج فارس را نظام منطقه‌ای و نه زیرنظام تابع خاورمیانه می‌داند. در نظام مبتنی بر تلفیق منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی و به تعبیر روزنو گلوکالیسم (تلفیقی از گلوبالیسم و لوکالیسم)، مناطق راهبردی به ویژه خلیج فارس در مقام قطبهای جدید قدرت تأثیر زیادی بر معادلات امنیتی می‌گذارد و مجال مانور بیشتری در نظام مبتنی بر منطقه‌گرایی نئولیبرال فراهم می‌آورد. از این رو، بررسی مدل‌های امنیتی

مطرح در این سیستم از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد (حیات مقدم و همکاران، ۱۳۹۶).

مدل‌های امنیت درونزا

۱. هژمونی یک قطبی منطقه‌ای؛

۲. موازنه قوای منطقه‌ای؛

۳. نظام و توی واحدهای منطقه‌ای؛

۴. الگوی امنیت دسته جمعی منطقه‌ای.

الگوی امنیتی مزبور بر تفاهم و توافق میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه منع مسابقه تسلیحاتی و انجام اقدامات هماهنگ در خصوص عاری سازی منطقه از سلاح‌های هسته‌ای و متعارف استوار است که بیشتر بر الگوی امنیتی با حاصل جمع جبری غیرصفر مبتنی می‌باشد؛ چراکه خلع سلاح، کنترل تسلیحات و میلیتاریسم زدایی در نهایت امنیت کل کشورهای منطقه را فراهم خواهد ساخت. در این باره، دو الگوی امنیتی قابل تصور است. الگوی نخست مبتنی بر همکاری پایدار، همگرایی و همسویی مواضع است که از استحکام، دوام و رسمیت بیشتری برخوردار است. الگوی دوم بر همزیستی، تفاهم، هماهنگی و همکاری محدود استوار است که بر توسعه نسبی و نه پایدار و توافق نسبی و نه همه جانبه میان کشورهای عضو سیستم منطقه‌ای تأکید دارد (همان، ۱۵-۱۳).

با عنایت به مطالب بیان شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که الگوی همزیستی در چارچوب مدل امنیت دسته جمعی از مطلوبیت بیشتری در مقام راه حلی میان مدت برخوردار است. در درازمدت الگوی همگرایی و همکاری گسترده باید مدنظر طراحان سیاست امنیتی در خلیج فارس قرار گیرد. حال در چارچوب الگوی همزیستی با مدل رقابت - تفاهم راهکارهای رفتاری چندجانبه‌گرایی، دوگانگی، فرامنطقه‌گرایی و میانجی‌گری و اعتمادسازی توصیه می‌شود.

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در مورد امنیت خلیج فارس

با وقوع انقلاب اسلامی، ایران در سیاست‌های منطقه‌ای خود تکیه بر نیروی نظامی و سیاست وابستگی به غرب را کنار گذاشت. این تغییرات موجب تغییر دیدگاه‌های ایران در مورد امنیت منطقه خلیج فارس شد؛ زیرا از این پس، عمده‌ترین مسئله تهدید برای ایران در منطقه خلیج فارس، حضور نیروهای بیگانه و حکومت بعث عراق بود. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ایران به تنش زدایی و بهبود روابط با کشورهای عرب خلیج فارس اقدام کرد. با موضع قاطع ایران در برابر اشغال کویت، گفتگو با کشورهای شورای همکاری دربارہ نظم منطقه‌ای به اولویت سیاسی ایران درآمد. انعقاد پیمان دفاعی دهساله امریکا - کویت و راهبرد جدید آن مبنی بر گسترش و مداخله‌گرایی منطقه‌ای، مانع جدی همکاری ایران با کشورهای منطقه بود.

ایران امنیت مشترک تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی و رعایت امنیت متقابل را شرط امنیت خلیج فارس می‌داند و آن را از یک سو محصول روابط متقابل همسایگان و در چارچوب امنیت دسته جمعی و از سوی دیگر، محصول روابط با دیگر بازیگران بین‌المللی به ویژه کشورهای صنعتی قلمداد می‌کند. ایران، حاکمیت کشورهای منطقه بر خلیج فارس و حفظ و ثبات آن بدون دخالت قدرت های بیگانه و تنظیم فرمولی اصولی و اطمینان بخش که مبنای تفاهم مشترک همه کشورهای منطقه خلیج فارس باشد را دنبال می‌کند و حضور ارتش های خارجی را تشویق کننده بنیادگرایی و تشنج آفرینی در منطقه می‌داند (نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۰).

لذا با توجه به مبانی نظری دو فرضیه ذیل متصور است:

فرضیه اول مطالعه بیان می‌دارد که بین نظریه منطقه‌ای امنیت و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی دار وجود دارد.

فرضیه دوم نیز بیان می‌دارد که بین امنیت درونزا و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی دار وجود دارد. در مطالعه حاضر علاوه بر مدنظر قراردادن پژوهش های پیشین با رویکرد الگوی امنیت درون زا به بررسی و تحلیل یافته ها می پردازیم.

روش‌شناسی تحقیق

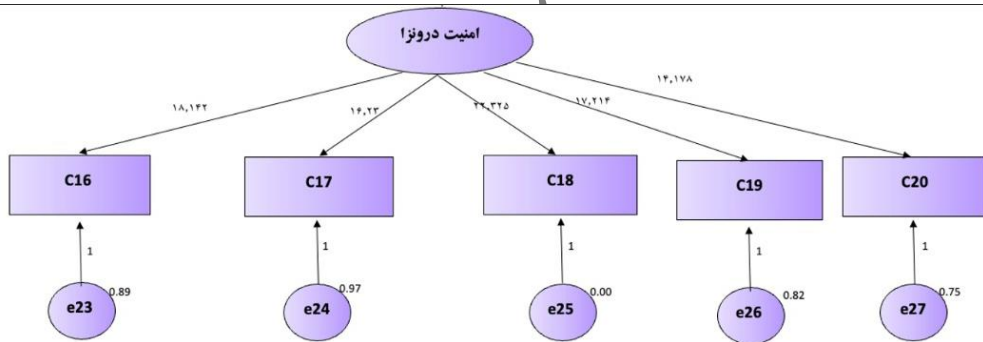
از آنجا که هدف ارائه الگوی امنیت درونزا با تاکید بر امنیت انسانی می‌باشد از نظر هدف، کاربردی و از نظر رهیافت، توصیفی تحلیلی می‌باشد و نتایج آن مشخص و عینی است و نتایج حاصل از آن در رفع نیازها و حل مشکلات و به کارگیری آن در حل مسائل خاص در سازمان، جامعه و... می‌باشد همچنین از نظر گردآوری اطلاعات، کمی است. جامعه آماری پژوهش بنا به نوع مطالعه شامل خبرگان، مدیران، کارشناسان، فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ می‌باشد. برآورد تعداد این افراد، حدود ۵۰۰ نفر به دست آمد. بر اساس جدول مورگان، برای جامعه‌ی ۵۰۰ نفری، تعداد نمونه ۲۱۷ نفر می‌باشد که در این مطالعه، بر روی ۲۱۷ نفر، اجرا شد. تحقیق حاضر از حیث روش جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی بدین معنی که مطالعه حاضر بصورت توصیفی پیمایشی بوده و با مرور منابع و نظریات علمی در حوزه پژوهش و مقایسه آن‌ها و اجرای مصاحبه و طراحی پرسشنامه محقق ساخته بر اساس نتایج مصاحبه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. جهت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده شده است که در ادامه به تفکیک نیازهای مختلف مدل تحقیق بیان می‌شوند. برای گردآوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری، از تحقیقات کتابخانه‌ای و مطالعه کتب و مقالات مختلف و سایت‌های علمی استفاده شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد و برای تدوین پرسشنامه از پرسشنامه محقق

ساخته برگرفته از مبانی نظری استفاده خواهد شد تا مولفه‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و پاسخ‌ها به صورت طیف پنج گویه‌ای لیکرت طراحی می‌گردد. نظر به این‌که در مطالعه‌ی حاضر لازم است مدل مفهومی به دست آمده از بخش کیفی، آزمون شود، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در مرحله‌ی کمی ضرورت دارد. برای تحلیل کمی داده‌ها و تحلیل‌های تعقیبی از نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار PLS استفاده می‌شود.

یافته‌ها

تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای امنیت درونزا

به منظور تعیین اعتبار متغیرهای امنیت درونزا از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. خروجی نرم‌افزار ایموس نشان می‌دهد تمام بارهای عاملی بالاتر از $0/3$ هستند. با توجه به خروجی ایموس مقدار χ^2/df محاسبه شده $2/07$ است، وجود χ^2/df کوچکتر از 5 نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریبی (RMSEA) می‌بایستی کمتر از $0/08$ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر $0/066$ است. میزان شاخص‌های GFI ، $AGFI$ ، CFI و NFI نیز باید بیشتر از $0/9$ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای این بخش است.



شکل ۱: ضرایب استاندارد امنیت درونزا بر اساس معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos

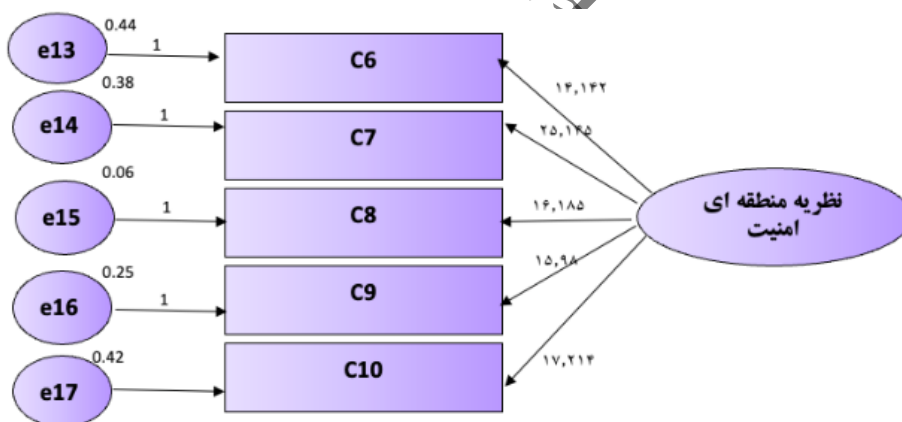
جدول ۱: شاخص‌های برازش متغیرهای امنیت درونزا

مشخصه	برآورد	ملاک
نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)	2/07	$\chi^2/df < 5$
جذر برآورد واریانس خطای تقریبی (RMSEA)	0/066	$RMSEA < 0/08$
شاخص نکویی برازش (GFI)	0/93	$GFI > 0/9$
شاخص تعدیل شده‌ی نکویی برازش (AGFI)	0/91	$AGFI > 0/9$

شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۶	$CFI > 0.9$
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۴	$NFI > 0.9$

تحلیل عاملی تأییدی نظریه منطقه‌ای امنیت

به منظور تعیین اعتبار نظریه منطقه‌ای امنیت از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. با توجه به خروجی ایموس در جدول ۲ مقدار χ^2/df محاسبه شده ۱/۸۰ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۵ نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۵۷ است. میزان شاخص‌های GFI ، $AGFI$ ، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای نظریه منطقه‌ای امنیت است.



شکل ۲: ضرایب استاندارد نظریه منطقه‌ای امنیت بر اساس معادلات ساختاری با نرم افزار Amos

جدول ۲: شاخص‌های برازش نظریه منطقه‌ای امنیت

مشخصه	برآورد	ملاک
نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)	۱/۸۰	$\chi^2/df < 5$
جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۵۷	$RMSEA < 0.08$
شاخص نکویی برازش (GFI)	۰/۹۴	$GFI > 0.9$
شاخص تعدیل شده‌ی نکویی برازش (AGFI)	۰/۹۲	$AGFI > 0.9$

شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۸	CFI > ۰/۹
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۷	NFI > ۰/۹

تجزیه و تحلیل مدل و بررسی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

در این بخش با استفاده از اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه‌ای که بر اساس شاخص‌های شناسایی شده در بخش کیفی طراحی شد و در بین نمونه آماری از جامعه مورد مطالعه توزیع گردید؛ شاخصهای مربوط به مؤلفه‌ها از لحاظ کمی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند که نتایج در ادامه آمده است. معیارهای برازش یکی از مهم‌ترین مراحل در تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این معیارها برای پاسخ بدین پرسش است که آیا مدل بازنمایی شده توسط داده‌ها، مدل اندازه‌گیری پژوهش را تأیید می‌کند یا خیر؟ برای پاسخگویی به این پرسش، معیارهای برازش زیادی در روش‌شناسی مدل‌سازی معادلات ساختاری معرفی شده است.

۱- نسبت مجذور کای به درجه آزادی: در آزمون مجذور کای فرضیه هماهنگی مدل مورد نظر با الگوی همپراشی این متغیرهای مشاهده شده بررسی می‌شود. مقادیر کوچکتر آن، یعنی کمتر از ۳، نشانه برازندگی بیشتر است (گیلز، ۲۰۰۲). کمیت خلی دو بسیار به حجم نمونه وابسته است و نمونه بزرگ، کمیت خلی دو را بیش از آنچه که بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد.

۲- شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)^۵: این شاخص‌ها نشان دهنده اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کواریانس‌ها است که توسط مدل تبیین می‌شود. هر دو معیار بین صفر تا یک متغیر است که هر چه به عدد یک نزدیکتر باشند، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است.

۳- ریشه میانگین (متوسط) باقی مانده (RMR)^۶: در این شاخص، باقیمانده‌های واریانس‌ها و کواریانس‌های مشاهده شده با برآوردهای انجام شده در مدل مقایسه می‌شوند.

مقادیر کوچکتر آن نشانه برازندگی بهتر است (هومن، ۱۳۸۰). مدلهایی که در آن این مقدار کمتر از ۰/۰۵

^۱ X2/df

^۲ covariance

^۳ Giles

^۴ Goodness of Fit Index

^۵ Adjusted Goodness of Fit Index

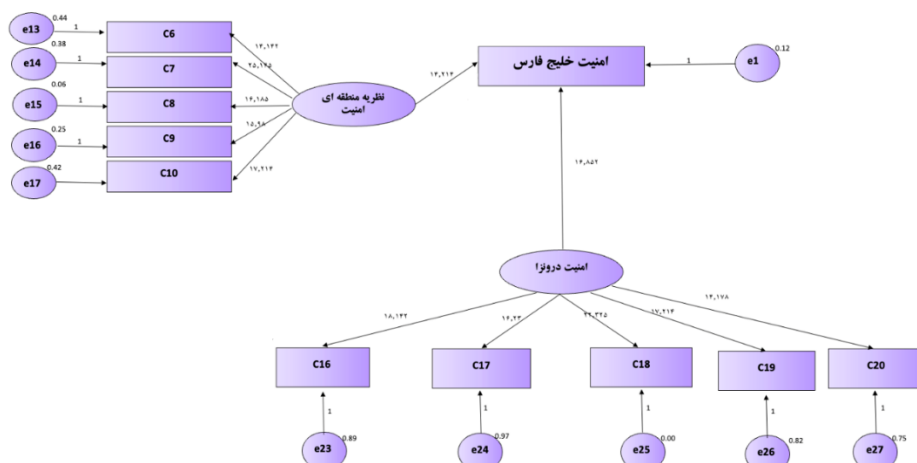
^۶ Root Mean of Residuals

است، برازندگی بسیار بالایی دارند، ولی مقادیر بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ نیز برای یک مدل خوب، مناسب است. ۴- شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA):^۱ این شاخص برای مدل‌های خوب ۰/۰۵۰ و کمتر است و مدلی که در آن این شاخص ۰/۱۰ یا بیشتر باشد برآزش ضعیفی دارد. جدول ۳ وضعیت این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج شاخص‌های برآزش مدل تحقیق

RMSEA	RMR	CFI	NFI	AGFI	GFI	$\frac{\chi^2}{df}$
۰/۰۹۰	۰/۱۳۳	۰/۸۴۵	۰/۸۸۷	۰/۸۴۱	۰/۸۳۵	۲/۸۵۸

نتایج نشان از برآزش مناسب مدل پیشنهادی می‌باشد. پس از آزمون مدل‌های اندازه‌گیری اکنون لازم است تا مدل ساختاری‌ای که نشان دهنده ارتباط بین متغیرهای مکنون تحقیق است، ارائه شود. با استفاده از مدل ساختاری می‌توان به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخت. در این تحقیق مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos به صورت نمودار زیر مورد سنجش قرار گرفته است:



شکل ۳ ضرایب معناداری مدل تحقق امنیت خلیج فارس بر اساس معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos

با توجه به نمودار فوق و میزان ضرایب معناداری، از آنجا که برای رد یا تایید روابط مقدار CR (نسبت بحرانی) باید بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱/۹۶- باشد، مقدار پارامتر بین دو دامنه در الگو مهم شمرده نمی‌شود، همچنین مقادیر بین این دو مقدار حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌ها رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد دارد. نتایج آزمون مدل در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج اجرای مدل ساختاری تحقق امنیت خلیج فارس

روابط	برآورد استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
امنیت مشترک ← الگوی تحقق امنیت خلیج فارس	۰/۴۲۰	۰/۰۵۶	۴/۰۱۸	* ۰/۰۰۰
امنیت درونزا ← الگوی تحقق امنیت خلیج فارس	۰/۲۶	۰/۰۷۷	۲/۷۹۸	* ۰/۰۱۰

$P \leq 0.05$ *

بر این اساس مدل تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Amos مورد سنجش نهایی قرار گرفت و همانطور که مشاهده می‌شود تمامی روابط و با توجه به مقدار ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شوند. الگوی مربوط به روابط متغیرهای مدل امنیت خلیج فارس در نمودار و جدول فوق ارائه شده است. نتایج بدست آمده در جدول ۵ نشان می‌دهد که تمامی موارد بالاتر از مقدار مورد نظر بوده که این موضوع مطلوبیت مدل اندازه‌گیری را تایید می‌کند.

جدول ۵: پایایی و روایی

معیار میانگین واریانس	روایی همگرا	پایایی درون سازه ها	الفای کرونباخ	معیار میانگین واریانس
۰.۶۴	۰.۸۹	۰.۹۶۱	۰.۸۵	امنیت درونزا
۰.۶۶	۰.۷۸	۰.۸۱	۰.۷۵	نظریه منطقه‌ای امنیت

روایی واگرا نیز توانایی یک مدل را در میزان افتراق مشاهده پذیرهای متغیر پنهان آن مدل با سایر مشاهده

پذیرهای موجود در مدل می‌سنجد و می‌توان گفت در واقع مکمل روایی همگرا است که این نیز از طریق روش فورنل لارکر قابل سنجش می‌باشد.

در جدول ۶، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیر هر متغیر و همچنین سمت چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. پس نتیجه می‌گیریم روایی همگرا و روایی واگرا در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جدول ۶: معیار فورنل لارکر

نظریه منطقه‌ای امنیت	امنیت درونزا	
	امنیت درونزا	۰.۸۲۴
نظریه منطقه‌ای امنیت		۰.۷۲۸
	نظریه منطقه‌ای امنیت	۰.۸۴۵

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول مطالعه بیان می‌دارد که بین نظریه منطقه‌ای امنیت و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

ضریب مسیر این رابطه مقدار ۰.۶۹۱ بدست آمد. برای ارزیابی معناداری این تأثیر باید به عدد معناداری t -Value مراجعه نمود که این عدد مقدار ۲.۹۴۹ که فراتر از ۱.۹۶ می‌باشد و همچنین P-Value مقدار ۰.۰۰۰ را به خود گرفته است. بنابراین فرضیه مورد نظر در سطح ۰.۹۵ اطمینان تأیید می‌گردد و بین نظریه منطقه ای امنیت و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

این نتایج با نتایج (بیرقی و همکاران، ۱۳۹۹)، (امینیان و همکاران، ۱۴۰۰)، (کلور و همکاران، ۱۳۹۸)، (چو و همکاران، ۲۰۲۰)، (ویووو و همکاران، ۲۰۲۰)، (شعبانی و عباسی مهر، ۲۰۱۹)، (ریتا و همکاران، ۲۰۱۹) همسو می‌باشد.

منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس حقیقتاً یک محیط یکنواخت و شامل ملت‌هایی می‌باشد که از لحاظ بعضی جنبه‌های فرهنگی با یکدیگر متفاوتند، و در عین حال گرفتاری‌های سیاسی، راهبردی و اقتصادی مشابهی دارند. این منطقه شاخص، با محیط مشترک خود بهترین موقعیت را برای همکاری ملل ساحلی با همدیگر برای ایجاد یک تقسیم بندی اقتصادی و سیاسی فراهم کرده است. این تقسیم بندی برای ابقای اقتصادی و سیاسی در کشورهای منطقه حیاتی است. وجوه مشابهت دغدغه‌های اقتصادی و موضوعات راهبردی مربوطه در کنار اهمیت بین المللی این منطقه با ظرفیت‌های بالای آن جهت تولید و صادرات نفت و گاز و

با روابط تجاری عظیم آن با تمام تقسیم بندی‌های اقتصادی در جهان، فرصت مناسبی برای ایجاد تقسیم بندی اقتصادی و سیاسی ایجاد کرده است. دولت‌ها تحت تأثیر (ساختار معنایی و نظام هویتی) انگیزه‌ها، اهداف و منافع (ناشی از این ساختار معنایی) ارتباطات جهانی خود را تنظیم می‌نمایند، طبیعی است که واحدهای سیاسی به تنهایی قادر به تأمین خواسته‌ها و نیازهای خود در درون مرزهای داخلی نیستند و باید احتیاجات جامعه خود را ورای مرزهای ملی دنبال کنند. این موضوع همکاری گسترده بین دولت‌ها را ایجاب می‌کند و دولت‌ها را وارد عرصه همکاری برون مرزی می‌نماید. نزدیکی جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی اقتصادی و... همسایگان و همچنین آسیب پذیری‌های متقابل کشورهای منطقه به حدی است که می‌توان امنیت و نامنی در خلیج فارس را به هم پیوسته ارزیابی نمود. بر اساس نظریه منطقه‌ای و وابستگی متقابل، ترتیبات امنیتی خلیج فارس نیز برخاسته از الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه است، چرا که میزان تعاملات در سطح منطقه آنچنان وسیع است که هر بحرانی در یک کشور می‌تواند به سرعت در منطقه تأثیرگذار شود و به عبارت دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری شده است. نگرانیهای امنیتی اصلی آن‌ها به اندازه‌ای به هم وابسته است که در واقع، تصور امنیت ملی آن‌ها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست. همان گونه که ذکر شد منطقه خلیج فارس از جمله مناطق نادر جهان، با اهمیت و موقعیت ویژه استراتژیک و ژئوپلیتیک است که از قدیمی‌ترین دوران‌های تاریخ بشری تاکنون پیوسته مورد توجه شدید اقوام و دولت‌های همجوار و غیر همجوار آن بوده است.

فرضیه دوم مطالعه نیز بیان می‌دارد که بین امنیت درونزا و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی دار وجود دارد. ضریب مسیر این رابطه مقدار ۰,۹۳۶، بدست آمد. برای ارزیابی معناداری این تأثیر باید به عدد معناداری t -Value مراجعه نمود که این عدد مقدار ۲,۴۸۹ که فراتر از ۱,۹۶ می باشد. همچنین P-Value مقدار ۰,۰۰۰ را به خود گرفته است. بنابراین فرضیه مورد نظر در سطح ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌گردد و بین امنیت درونزا و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی دار وجود دارد.

این نتایج با نتایج (کلور و همکاران، ۱۳۹۸)، (چو و همکاران، ۲۰۲۰)، (ویووو و همکاران، ۲۰۲۰) همسو می‌باشد.

امنیت خلیج فارس از دیدگاه ۵ کشور قطر، کویت، امارات متحده، عمان و بحرین به معنای حفظ موجودیت برای ایران و بقای حکومت ایران به هر طریق و شکل ممکن است. این کشورها به علت موقعیت و اندازه کم جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در وضعیت آسیب‌پذیری بیشتری قرار داشته و در سطح منطقه‌ای به کشور عربستان و در سطح فرامنطقه‌ای به کشور آمریکا تکیه دارند. دولت‌های کوچک در این منطقه با وجود کمک‌های گسترده به کشور عراق در طول جنگ تحمیلی عراق به ایران، تلاش کردند تا حد ممکن جبران مافات کنند

و از بهانه گیری‌ها اجتناب کنند. با اشغال عراق توسط آمریکا این موضع امنیتی کشورها در همسویی با قدرت‌های جهانی صریح‌تر شده و باعث شد آن‌ها از سطوح همکاری بی‌نیاز گردند. در سال‌های اخیر، کشورهای کویت، قطر، عمان و بحرین، امنیت منطقه‌ای خلیج فارس را برای خود محقق یافته و وضع موجود را مطلوب می‌دانند. لذا منطقه خلیج فارس بعد از پایان جنگ سرد و طی دهه‌های اخیر ۳ واقعه بحرانی حمله عراق به ایران، حمله عراق به کویت و حمله آمریکا به عراق و ایجاد نا امنی منطقه‌ای را تجربه کرده است. همه این جنگ‌ها و یا به عبارتی بحرانها موجبی برای ایجاد نا امنی و عدم امنیت در منطقه شده‌اند. مسلماً همه این تحرکات و جنگ‌ها را باید در چارچوب اهمیت منطقه خلیج فارس در ابعاد مختلف ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن مشاهده کرد. علیرغم این تلاش‌ها، هیچگاه ترتیبات امنیتی در منطقه خلیج فارس به دلیل چشم‌پوشی نسبت به واقعیت‌ها و ساختارهای موجود، به موفقیت جدی دست نیافته است.

تفاوت عمده میان شرایط داخلی جوامع با شرایط نظام بین‌الملل، که کنت والتز علت این تفاوت را نه در جنگ و مخاصمه، بلکه در ساختار متفاوت این دو می‌داند، به امنیت درون‌زاد به عنوان "قاعده الزامی عمل" اهمیت دوچندان می‌بخشد. اینکه در شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل، برخلاف جوامع داخلی حاکمیت برتری برای تضمین امنیت وجود ندارد و هر کشور خودش مسئول حفظ امنیت و بقای خویش می‌باشد. البته در این مسیر، تأمین امنیت برای یک کشور ممکن است منجر به نا امنی یا احساس نا امنی دیگر کشورها شود. شرایطی که واقع‌گرایان آن را تنگنای امنیت یا معمای امنیت می‌نامند. شرایطی که اقدامات و تدارکات نظامی یک کشور احساس تردیدی را در ذهن کشور دیگر ایجاد کند مبنی بر اینکه این تحرکات جنبه دفاعی و تضمین امنیت دارند یا برای مقاصد تهاجمی صورت می‌گیرند. واقع‌گرایان در مورد ایجاد شرایط تنگنای امنیت، دو دیدگاه دارند. واقع‌گرایان ساختاری تنگنای امنیت را ویژگی پایدار سیاست بین‌الملل می‌دانند. در مقابل واقع‌گرایان تاریخی معتقدند که تنگنای امنیت از طریق موازنه قوا قابل تعدیل می‌باشد. واقع‌گرایان ساختاری معتقدند، در نظام امنیت درون‌زاد، حتی اگر سیاست آگاهانه‌ای برای تقویت موازنه قوا وجود نداشته باشد، موازنه قوا شکل می‌گیرد. والتز معتقد است موازنه قوا بدون توجه به تمایلات کشورها شکل می‌گیرد. در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل، کشورها برای حفظ بقا و امنیت خود در مقابل کشورهای تهدید کننده آنها، به ایجاد ائتلاف‌هایی اقدام می‌کنند که هدف آن‌ها کنترل و موازنه قوا در برابر تهدیدات است. البته تمامی واقع‌گرایان معتقدند که، موازنه قوا شرایط با ثباتی نیست و این شرایط، چه از طریق جنگ و چه از طرق مسالمت آمیز، از بین می‌روند و موازنه‌های جدید شکل می‌گیرند. بر این اساس، نتیجه‌ای که حاصل می‌شود بیانگر این مطلب است که دولتها در بهترین حالت، می‌توانند بدترین پیامدهای تنگنای امنیت را کاهش دهند اما نمی‌توانند از آن بگریزند.

دلیل این وضعیت لاعلاج، نبود اعتماد در نظام آنارشیک بین الملل است که اصلی ترین پیامد آن امنیت درونزاد است. تمامی واقعگرایان، در مورد اصول بنیادین فوق، به عنوان محورهای اساسی واقعگرایی توافق نظر دارند. بر این اساس، دولت سالاری، بقا و امنیت درونزاد، محورهای اصلی و اساسی واقعگرایان در ارائه نظریاتشان می باشد.

پیشنهادات پژوهشی

- پیشنهاد می گردد با توجه به تاثیرات متغیرهای فرهنگی و اجتماعی که اجتناب ناپذیر است، متغیرهای پژوهش در سایر منطق استراتژیک کشور مورد آزمون قرار گیرد و نتایج به دست آمده مقایسه شود؛ به این ترتیب علل و عوامل تأثیر گذار بر کاهش و افزایش متغیرها با توجه به مناطق مورد آزمون تا حد زیادی مشخص می گردد و باعث ارائه راهکار های مناسب به شرایط موجود می گردد.
- در تحقیقات آینده در مورد مولفه های این پژوهش، جامعه ی آماری متفاوتی نسبت به مطالعه ما انتخاب شود.

پیشنهادات اجرایی

- فراهم کردن بستر مناسب برای آشنایی بیشتر افراد جامعه با مسائل امنیتی، لازم است.
- ارتقای پلت فرم های ارتقا دهنده ی امنیت در منطقه ی خلیج فارس
- بسترسازی برای آموزش افراد در جهت ارتقا آگاهی

منابع

- ابراهیمی کیایی، هادی. (۱۳۹۸)، «تاثیر تحولات ۲۰۱۱ خاورمیانه بر ارتقاء مجموعه امنیتی خلیج فارس»، *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، صص ۲۱۲-۱۸۵.
- اخضریان، علی، (۱۳۹۲)، «عناصر قدرت‌آفرین در ساخت درونی نظام، تهران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۵۲، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص ۱۷-۱۱.
- اسماعیلی، محسن، بالایی، حمید. (۱۳۹۲)، «الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قوانین برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، صص ۷۵-۴۳.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۳)، «راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی ج.ا. ایران، تهران»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۸۸، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، صص ۲۹-۱۹.
- امیری، علی، حقیقی، علی محمد، زارعی، غفار. (۱۳۹۹)، «پیامدهای سیاسی-اقتصادی مدیریت پلیتیک تنگه هرمز در سیاست خارجی ج.ا. ایران بر امنیت خلیج فارس»، *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، صص ۱۸-۱۲.
- امین‌منصور، جواد. (۱۴۰۰)، «ابعاد محیط‌زیستی همکاری و امنیت در خلیج فارس»، *فصلنامه سیاست خارجی*، صص ۱۰۰-۶۷.
- بابایی، محمد، رستمی، بنفشه، جمهور، علی. (۱۳۹۸)، «تحول روابط قطر و عربستان بر اساس الگوهای دوستی/دشمنی در زیرمحیط امنیتی خلیج فارس»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، صص ۱۰۰-۸۷.
- پاکدل، محمد، محقق‌نیا، حامد، یوسفی، بهرام، عبدالخانی، لنا. (۱۴۰۰)، «راهبرد ایران در تأمین امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس»، *مجله علوم و فنون دریایی*، صص ۱۶-۱۱.
- حیات‌مقدم، امیر، کلاتری، فتح‌الله، فلاح، عباس. (۱۳۹۶)، «شناسایی عوامل مرتبط با مولفه دفاعی - امنیتی جهت استحکام ساخت درونی قدرت نظام با تأکید بر منویات فرماندهی معظم کل قوا»، *راهبرد دفاعی*، صص ۶۳-۴۶.
- سلمانی‌پورلک، فاطمه (۱۳۹۳)، «رویکرد آسیب‌شناسانه به فرآیند هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس»، *مجموعه مقالات*، جلد ۱، صص ۹۸-۸۹.
- طاهری، ا. و صادقی بکیانی، ا. (۱۳۹۵)، «تاثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس)»، *سیاست دفاعی*، صص ۸۸-۴۷.
- عاشوری، غلامرضا، مرتضایی، شیدا. (۱۳۹۷)، «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در

- راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی»، *فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی* ۱، صص ۲۱۴-۱۹۱.
- عالیشاهی، عبدالرضا، فروزان، یونس، سلیمانی سوچلمانی، حمید. (۱۳۹۹)، «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه آفاق امنیت*، صص ۱۶۹-۱۴۷.
- قربانی، مزگان (۱۳۹۱)، «استقرار سپر دفاع موشکی امریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *راهبرد دفاعی*، صص ۱۰-۳.
- لطفی، حیدر. (۱۴۰۰)، «بررسی نقش منطقه مکران در امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر* (۱)، صص ۲۸۰-۲۶۷.
- مرادی، عبدالله (۱۳۹۴)، «رویکردهای گوناگون به نظام امنیتی خلیج فارس»، تهران: اندیشکده راهبردی تبیین.
- مطلبی، مسعود و دیگران (۱۳۹۱)، «احتمادسازی پیش‌نیاز امنیت و نظام امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، صص ۹۱-۸۴.
- مظاهری، محمدمهدی. نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس (۱۳۹۸)، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، صص ۱۰۹-۸۷.
- نیلفروشان، عباس، نقی‌زاده، حمید. (۱۴۰۰)، «ضرورت تأمین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس با نگاه به روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *مجله سیاست دفاعی*، صص ۹-۵.
- هاشمی، س. و منتظری، م. (۱۳۹۵)، «نقش نظام‌های سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس در بی‌ثبات‌سازی امنیت خلیج فارس»، *مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، صص ۱۰۰-۸۳.